Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 13, No. 4, Winter 2023, 29-52
DOI: 10.21859/priw-130402

Muslim Brotherhood and Türkiye's foreign policy towards West Asia

Ahmad jansiz[1] **Daniyal rezapoor**[2]

Date of Received: 2023/05/06 **Date of Acceptance**:2023/09/27

Abstract

In Turkey's foreign policy, West Asia is viewed as a region where ideological factors take precedence over practical political calculations. The country's foreign policy activities aimed at expanding its role in the region are largely associated with the Islamist tendencies of the Justice and Development Party (AKP). This paper examines Turkey's foreign policy with a focus on the relationship between the AKP and the Muslim Brotherhood, which defines the nature of Turkey's foreign policy from Yemen to Egypt and Libya. The study employs a descriptive and analytical method, utilizing neoclassical realism theory to address the question of how and which elements have led to a shift in Turkey's foreign policy towards Islamism and closer ties with the Muslim Brotherhood following the Arab Spring. The hypothesis posits that, firstly, the ideological connections between the AKP and the Muslim Brotherhood are the most evident factors facilitating cooperation between these two actors. Secondly, Turkey's foreign policy behavior in West Asia reflects a broader strategy to respond to systemic requirements and Erdogan's neo-Ottomanism in the region, aided by the Muslim Brotherhood. Understanding these systemic requirements necessitates considering multiple variables regarding how AKP leaders perceive regional developments,

1. Associate Professor, Department of Political Science, University of Guilan, Guilan, Iran. jansiz@guilan.ac.ir

2. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Political Science, University of Guilan, Guilan, Iran. danyalrezapoor@guilan.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

systemic and sub-systemic factors, strategic autonomy as a means of maximizing power and balancing as a way to enhance Turkey's security within West Asian dynamics.

Keywords: Turkish Foreign Policy; West Asia; Muslim Brotherhood; Neoclassical Realism; Justice and Development Party.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲، صص ۵۲ - ۲۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۴۰۲

اخوان المسلمین و سیاست خارجی ترکیه در قبال غرب آسیا

احمد جانسیز[۱]
دانیال رضاپور[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

در سیاست خارجی دولت ترکیه، غرب آسیا جایی است که ناظران در این امر توافق دارند که عوامل عقیدتی بر محاسبات واقعی سیاست ارجحیت دارد. فعالیت سیاست خارجی ترکیه برای گسترش نقش کشور در منطقه تا حد زیادی با گرایش‌های اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه مرتبط است. در این نوشتار سیاست خارجی ترکیه با تمرکز بر روابط حزب عدالت و توسعه با اخوان‌المسلمین که مشخص کننده ماهیت سیاست خارجی این کشور از یمن تا مصر و لیبی است بررسی می‌شود. بنابراین این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که بعد از وقوع تحولات موسوم به بهارعربی، چه مولفه‌هایی و چگونه موجب تغییر رفتار سیاست خارجی ترکیه به اسلام‌گرایی و نزدیکی به اخوان المسلمین شده است؟ پاسخی که به سوال فوق به عنوان فرضیه مطرح می‌شود بدین‌گونه است که اولا پیوندهای ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه با اسلام اخوانی به عنوان مشهودترین مولفه باعث همراهی این دو بازیگر شده است ثانیا رفتار سیاست خارجی ترکیه در غرب آسیا نشان‌دهنده یک استراتژی بزرگ برای پاسخگویی به الزامات سیستمی و فرعی نئو عثمانی-گرایی اردوغان در منطقه با کمک اخوان المسلمین بوده است. فهم الزامات سیستمی بیان شده نیازمند بهره‌گیری از متغیرهای چندگانه در چگونگی فهم و برداشت رهبران حزب عدالت و توسعه از تحولات منطقه، عوامل سیستمی و زیرسیستمی، استقلال استراتژیک به عنوان حداکثرسازی قدرت و موازنه‌سازی به‌عنوان به حداکثر رساندن امنیت ترکیه در معادلات غرب آسیا و تغییر رفتار سیاست خارجی ترکیه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌خارجی ترکیه؛ غرب آسیا؛ اخوان المسلمین؛ رئالیسم نئوکلاسیک؛ حزب عدالت و توسعه

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران jansiz@guilan.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران(نویسنده مسئول) danyalrezapoor@guilan.ac.ir
Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۱. مقدمه

سیاست خارجی ترکیه در دوره‌های مختلف، پیوسته در حال تغییر بوده است به طوری‌که روابط چند دهه‌ای ترکیه با غرب، این کشور را به این نتیجه رسانده است که نه تنها به جایگاه مورد انتظار خود به عنوان یک کشور نزدیک به غرب نرسیده است، بلکه اعتبار و جایگاه منطقه‌ای خود در خاورمیانه(غرب آسیا) را هم به مرور از دست داده و اکنون خود را در فضای سیاستی منطقه و محیط بین‌المللی معلق می‌بیند؛ از این رو در پی تحولاتی مانند بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸، بهار عربی، بن بست مذاکرات حزب عدالت و توسعه با کردها، تصفیه مخالفان داخلی و تغییر موازنه منطقه‌ای و قدرت-های جهانی، سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه دچار تحولی اساسی شد و از سیاست "تنش صفر" فاصله گرفته و رویکردی را اتخاذ کرد که بر دخالت در کشورهایی مانند لیبی، مصر، سوریه و عراق، بلندپروازی برای رهبری منطقه با کمک اخوان المسلمین، استفاده از نظامی‌گری، ترجیح قدرت سخت بر قدرت نرم، فاصله گیری از اتحادیه اروپا، تلاش برای موازنه در رابطه با آمریکا و روسیه و چین و رویکردی مستقل‌تر در سیاست خارجی استوار می‌باشد. به عبارت بهتر، سیاست خارجی ترکیه بعد از این دوره، درصدد برقراری نظم جدید اخوانی در جهت مقابله با چالش‌های سیاست خارجی خود برآمد(قاسمی و مددی، ۱۴۰۰: ۲-۳). در همین راستا طارق رمضان، نوه بنیانگذار اخوان المسلمین معتقد بود که ترکیه دموکراتیک الگوی اخوان المسلمین مصر است و اسلام‌گرایان سرسخت خاورمیانه‌ای که تبدیل به محافظه‌کاران دموکرات در ترکیه شده بودند، به ویژه شاخه‌های مختلف اخوان، برندگان بهار عربی می‌باشند(رمدان، ۸ فبرای ۲۰۱۱)[1]. با این حال، در حالی‌که ایده مرسوم الگوی ترکیه مسلمان دمکراتیک همان‌طور که در حزب حاکم عدالت و توسعه تجسم یافته بود، به علت تحولات پسابهار عربی شکست خورد، اما برخی شروع به این استدلال کردند که حزب حاکم، سیاست خارجی اسلام‌گرایانه‌ای را بر اساس پیوندها و ایدئولوژی اخوان دنبال خواهد کرد. به عبارت دیگر، الگوی مشخص شده توسط طارق رمضان مسلما با تفاسیری مدرن‌تری توسط سیاست‌های حزب عدالت و توسعه با استناد به شکوه دوره عثمانی، به خوبی در بیانات هاکان یاووز در مورد اردوغان توصیف شده است. "در طول دو دهه حکومت خود، بیش از هر منطقه دیگری در غرب آسیا سرمایه‌گذاری کرده است. هنگامی‌که با تاریخ جمهوری مقایسه می‌شود، این سطح بی بدیل از دخالت منطقه‌ای همراه با دور شدن کشور از جهت‌گیری غربی خود در دهه ۲۰۱۰ در معرض خوانش‌های ایده‌پردازانه قرار گرفته است و به هویت اسلامی حزب عدالت و توسعه به عنوان محرک مستقل آن مرتبط

1. Ramadan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

است"(یاووز، ۲۰۲۲: ۱۳)[1] .. برای بسیاری از ناظران، رویکرد حزب عدالت و توسعه به اخوان و غرب آسیا عاری از عقلانیت ابزاری است. برخی استدلال می‌کنند که اردوغان، علی‌رغم عمل‌گرایی، اسیر عقاید ایدئولوژیک خود بوده است. برخی دیگر حتی وضعیت روحی مرد قدرتمند اسلام‌گرا ترکیه را زیر سوال می‌برند و او را نزدیک‌ترین شبیه به پادشاه دیوانه‌ای می‌دانند که فعالیت‌های سیاست خارجی بیش از حد بلندپروازانه را در منطقه دنبال می‌کند(کاگاپتای، ۲۰۲۰: ۱۳۲)[2] . بر این اساس، فهم شخصیت و برداشت اردوغان برای درک بسیاری از انتخاب‌ها و خروجی‌های سیاست خارجی دولتش ضروری است. از نظر هاکان یاووز، یکی از پرنفوذترین پژوهش‌گران سیاست‌خارجی ترکیه « بعد از آتاتورک، دولتمردی در قامت اردوغان وجود نداشته که این گونه بر حیات سیاسی ترکیه تسلط و تأثیر داشته باشد. اردوغان هم در سپهر سیاست داخلی و هم در عرصه سیاست خارجی نفوذ کامل دارد. در بسیاری از موارد، چنین به نظر می‌رسد که دولتی به نام عدالت و توسعه و جنبش‌های منسوب به این حزب وجود ندارد و آنچه هست، هژمونی و تسلط رجب طیب اردوغان است»((گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵).

مقاله پیش رو در مقابله با خوانش‌های داخلی و ایده‌آمیز غالب در ادبیات آکادمیک، پیشنهاد می‌کند که یک رویکرد دقیق و بیرونی که در چندین عامل سیستمی برای توضیح پویایی‌های زیربنایی سیاست غرب آسیایی ترکیه مناسب‌تر است، استفاده گردد. بنابراین این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که بعد از وقوع تحولات موسوم به بهارعربی، چه مولفه‌هایی و چگونه موجب تغییر رفتار سیاست خارجی ترکیه به اسلام‌گرایی و نزدیکی به اخوان المسلمین شده است؟ پاسخی که به سوال فوق به عنوان فرضیه مطرح می‌شود بدین‌گونه است که اولا پیوندهای ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه با اسلام اخوانی به عنوان مشهودترین مولفه باعث همراهی این دو بازیگر شده است ثانیا رفتار سیاست خارجی ترکیه در غرب آسیا نشان‌دهنده یک استراتژی بزرگ برای پاسخگویی به الزامات سیستمی و فرعی نئوعثمانی‌گرایی اردوغان در منطقه با کمک اخوان المسلمین بوده است. فهم الزامات سیستمی بیان شده نیازمند بهره‌گیری از متغیرهای چندگانه در چگونگی فهم و برداشت رهبران حزب عدالت و توسعه از تحولات منطقه، عوامل سیستمی و زیرسیستمی، استقلال استراتژیک به عنوان حداکثرسازی قدرت و موازنه‌سازی به‌عنوان به حداکثر رساندن امنیت ترکیه در معادلات غرب آسیا و تغییر رفتار سیاست خارجی ترکیه می‌باشد.در سازماندهی پژوهش این مقاله بعد ارائه مختصر پیشینه و چهارچوب نظری، با نقد مختصری از قرائت‌های ایده‌آمیز آغاز می‌شود که به

1. Yavuz
2. Cagaptay

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ایدئولوژی اسلام‌گرا/ اخوان نقش تبیینی محوری در سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه می‌دهد. به عنوان یک توضیح جایگزین، الزامات داخلی و بین‌المللی و پیامدهای آن‌ها برای سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه را تحلیل و در بخش‌های بعدی، نقش اخوان در چشم‌انداز ترکیه برای نظم منطقه‌ای جدید را مورد بحث قرار می‌دهد و ارزیابی می‌کند که چگونه متغیرهای داخلی بر تصمیمات مجریان سیاست خارجی در این زمینه تأثیر گذاشته است.

۱- پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش الف: گروهی از نویسندگان به فرآیندهای تغییر و تحول ژئوپلیتیکی ترکیه از منظر امنیتی- سیاسی در غرب آسیا پرداخته‌اند(اردکانی، ۱۴۰۲: رضاپور و آذین، ۱۴۰۲: باقری و همکاران، ۱۴۰۲: پورزاده رشتی ، ۱۴۰۲: شوهانی، ۱۴۰۲: کاسبالابان، ۲۰۲۰، بایدمیر، ۲۰۲۰، فیدان، ۲۰۲۳: آران و کوتلای، ۲۰۲۴).

ب: تمرکز گروه دیگری از نویسندگان به راهبردهای اقتصادی ترکیه در قبال منطقه غرب آسیا اختصاص دارد(متنی و همامی، ۱۴۰۲: نادری و همکاران، ۱۴۰۱: اردکانی، ۱۴۰۰: هائوگوم، ۲۰۱۹: نست و استراند، ۲۰۱۹: دالای، ۲۰۲۲: ساندونا و بهان، ۲۰۲۳)

پ: محققان غرب آسیا به هویت عثمانی‌گرایی و فرهنگ اسلامی ترکیه و روابط راهبردی به عنوان رهبر مسلمین با کشورهای خاورمیانه‌ای پرداخته‌اند(حاجی ناصری و همکاران، ۱۴۰۲: نجف آبادی و فرامانی، ۱۴۰۱: قاسمی و مددی، ۱۴۰۱: سنگری و توکلی، ۱۴۰۰: دانش نیا و همکاران، ۱۳۹۲: آدار، ۲۰۲۴: اوالی و اوزدیکمی، ۲۰۲۰؛ شاهین، ۲۰۲۰). با وجود فراوانی پژوهش‌های اشاره شده، در این آثار کمتر بر ابعاد و تاثیرهای داخلی و بین‌المللی راهبرد اخوانی ترکیه در قبال غرب آسیا وجود دارد. تلاش ما بر این است که با استفاده از نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک و خوانشی از گزاره‌های اصلی آن، امکان تحلیل و تبیینی جدید از مسئله اصلی نوشتار موجود را بیابیم.

۲- چهارچوب نظری

تحلیل سیاست‌های راهبردی ترکیه در سال‌های اخیر و به ویژه در غرب آسیا موضوعی که نیازمند یک ظرف تحلیلی و مدل تبیینی غنی و ژرف می‌باشد. برای این موضوع شاید نظریه‌های واقع‌گرایی بیش از هر مکتب دیگری بتوانند ما را کمک کنند. واقع‌گرایی از ابتدای قرن بیستم به صورت پارادایم مسلط در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سیاست بین‌الملل ظاهر شده است به گونه‌ای که عملا بسیاری از مساعی نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل را تحت تاثیر خود قرار داده است. واقع‌گرایی شامل گونه‌های مختلفی می‌شود اما آن‌ها مجموعه‌ای از مبانی بنیادین مشترک را در بر می‌گیرند. به صورت کلی واقع‌گرایان دولت‌هایی را که در پی منافع خود هستند، در یک محیط آنارشیک به تصویر می‌کشند که امکان وقوع جنگ و نابودی را نیز باید در چنین محیطی در نظر گرفت. به باور واقع‌گرایان ساختار بنیادین هرج و مرج در نظام بین‌المللی وجود دارد و این ساختار اصلی نیز به راحتی حتی در بلندمدت قابل تغییر نیست. بر همین اساس آنان معتقدند امنیت و نظم از طریق توزیع با ثبات قدرت یا ایجاد موازنه شکل می‌گیرد. بر همین اساس طیف‌های مختلف واقع‌گرایی حول محور چندین گزاره اصلی می-چرخند: دولت محوری. دولت‌ها بازیگران اصلی در نظام بین‌المللی هستند. آنارشی. نظام سیاسی بین‌المللی آنارشیک است. عقلانیت. دولت‌ها در چارچوب منافع شخصی عقلانی در خود نظام بین‌الملل عمل می‌کنند. قدرت. دولت‌ها برای تضمین حفظ خود در پی قدرت هستند. مفهوم‌بندی پارادایم واقع‌گرایی از امنیت و تحلیل و تبیین آن بر مبنای اصول و مفروضه-هایی دولت‌محوری، قدرت‌محوری، آنارشی و موازنه قوا سامان و سازمان می‌یابد. به گونه‌ای که روابط بین‌الملل بر پایه رقابت و کشمکش کشورها بر سر قدرت به جهت بقا در نظام بین‌الملل آنارشیک شکل می‌گیرد که آن را خواسته یا ناخواسته به موازنه‌سازی در برابر قدرت‌های برتر سوق می‌دهد. با این حال واقع‌گرایان همه این گزاره‌ها و مفروضات را به صورت یکسان نمی‌پذیرند. به طوری‌که در سایر موارد از مباحث معرفت شناختی و روش شناختی تا برداشت از سرشت دولت‌ها، انگیزه اصلی آن‌ها و... در میان واقع‌گرایان(سنتی، کلاسیک، نوگرا، ساختارگرا، تهاجمی، تدافعی، انگیزشی) تفاوت‌هایی وجود دارد (بیگدلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶). بنابراین می‌توان نه از یک نظریه، بلکه از نظریه‌های مختلف در چارچوب مکتب یا نگرش واقع‌گرا سخن گفت. از این رو رویکردهای واقع‌گرا در بردارنده خوانش‌های مختلفی از سیاست بین‌الملل هستند. یکی از خوانش‌های مهم در حوزه مطالعات واقع‌گرای روابط بین‌الملل، نظریه یا خوانش واقع‌گرایی نئوکلاسیک است که گیدئون رز ارائه کرده است.

واقع گرایی نئوکلاسیک تلاش دارد تا ترکیبی از عناصر واقع‌گرایی کلاسیک و نو واقع‌گرایی را با آمیختن ساختار در شرایط آنارشیک با عوامل مرتبط با مسائل داخلی دولت‌ها(مانند ایدئولوژی، شخصیت، ادراکات و دیگر عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی) ارائه دهد. با بررسی مجموعه‌ای از آثاری که می‌توان آن‌ها را در قالب واقع‌گرایی نئوکلاسیک طبقه‌بندی کرد، گیدئون رز شرح می‌دهد که آن‌ها متغیرهای داخلی و خارجی را ترکیب کرده و به وسیله آن دیدگاه‌های خاص نشات گرفته از اندیشه واقع‌گرایی کلاسیک را

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نظام‌مند و به روز می‌کنند. در مطالعه رندال شوئلر پذیرفته می‌شود که رهیافت نئوکلاسیک تحلیلی در مورد پدیده «موازنه ناقص» در نظام بین‌الملل است، موضوعی که آشکارا مرتبط به تحلیل موازنه قدرت است. به نظر او توجه به سیاست داخلی مناسب‌ترین راه برای تبیین این پدیده است. دولت‌ها به طور کلی تلاش دارند تا موازنه بر ضد دیگر دولت‌ها ایجاد کنند، اما به دلایل مختلف الزاما آن را صحیح نمی‌دانند. پدیده دیگر« موازنه برتر» است. این شکلی از رفتار افراطی است که شاید از فرض دشمن پنداری نشات می‌گیرد که در آن سو ادراک تهدید واقعی بیشتر نشان داده می‌شود(سیفی، ۱۳۹۹: ۳). رئالیسم نئوکلاسیک این ایده را از رئالیسم ساختاری عاریه می‌گیرد که عوامل سیستماتیک، بعد کلی سیاست خارجی را تعیین می‌کند؛ اما این موضوع را نیز مدنظر قرار می‌دهد که متغیرهای داخلی در تصمیم‌گیری نهایی دخالت دارند. درحالی‌که توازن مادی نسبی پارامترهای سیاست خارجی را تعیین می‌کند، چرایی اینکه کشورهای مختلف یا کشورهای همسان سیاست خارجی مختلفی را در عرصه بین‌المللی دنبال می‌کنند را باید در متغیرهای داخلی جست‌وجو کرد. نئوکلاسیک‌ها اولین شاخه از رئالیسم هستند که به سطوح داخلی دولت‌ها توجه می-کنند، چون دولت‌ها برای تأمین امنیت باید متکی به خود باشند. ادراک یا برداشت‌های آن‌ها از واقعیت‌های موجود نتایج حوادث سیاسی را مشخص می‌کند. اگرچه ویژگی‌های ساختاری نقش مهمی در تصمیم‌گیری و عمل بازی می‌کند ولی متغیرهای داخلی در تشخیص اینکه دولت‌ها چگونه پاسخ خواهند داد، مهم است. نئوکلاسیک‌ها عقیده دارد که متغیرهای سیستم بین‌المللی به صورت متفاوتی از سوی سایر کشورها ادراک می‌شود و این ادراک تأثیر بسزایی بر واکنش دولت‌ها دارد (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۶: ۴-۵).

در مورد خاورمیانه(غرب آسیا) انگیزه‌ها و محدودیت‌های سیستم بین‌الملل از منظر نئوکلاسیک‌ها منجر به یک سری بازی‌های رفت و برگشتی در سیاست خارجی کشورها شده است که با رفتار حداکثر کردن قدرت همراه با استراتژی متعادل‌سازی همراه می‌باشد. از طرف دیگر رقابت جنگ سرد بین ائتلاف‌ها با چندین رویارویی نیابتی در چندین جبهه مانند منطقه منا(سوریه و لیبی) به بن بست رسید که این عامل نظم امنیتی منطقه را تحت فشار زیادی قرار داد و منابع سیاسی – اقتصادی همه طرف‌های درگیر را مصرف کرد. از این رو دولت ترکیه نیز با درک محدودیت‌های سیاست‌خارجی توسعه‌طلبانه خود، به ویژه در سوریه به عنوان مصیبت‌بارترین نمونه، از سال ۲۰۲۰ برای تنظیم مجدد سیاست خارجی خود تلاش کرده و اقدامات برجسته‌تری برای نزدیک شدن به کشورهای منطقه انجام داده است. در حالی‌که ترکیه در ابتدا توافق نامه ابراهیم را محکوم کرد، به تدریج رضایت خود را ابراز کرد و در نهایت منجر به سفر رسمی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

اسحاق هرتزوگ رئیس جمهور اسرائیل، از ترکیه در سال ۲۰۲۲ شد که بالاترین سطح در ۱۴ سال گذشته بود، حتی بعد بحران ۷ اکتبر ۲۰۲۳ علی رغم لفاظی‌های تند اردوغان علیه اسرائیل عملا یکی از تامین کنندگان اصلی اسرائیل از منظر غذایی و نظامی بعد از اقدامات یمنی‌ها در هدف‌گیری کشتی‌های مرتبط در دریای سرخ بوده است. بحران شورای همکاری خلیج فارس ۲۰۱۷ که منعکس کننده دور جدیدی از روابط بود در نشست سال ۲۰۲۱ در الولا حل شد و به مناقشه با قطر پایان و به دنبال آن برخی حصارها بین اعراب و ترکیه برداشته شد. به همین ترتیب در آوریل ۲۰۲۲، دادگاه ترکیه حکم به توقف محاکمه ۲۶ سعودی متهم به قتل خاشقجی و انتقال پرونده به عربستان سعودی داد. به طور کلی، عدم اطمینان در مورد اینکه آیا رهبران سیاسی منطقه صرفاً از این لحظه استفاده می‌کنند یا اینکه این تنش‌زدایی با وجود تداوم درگیری‌های موجود، نویدبخش عصر جدیدی است؟ لاینحل است.

ایدئولوژی اخوان و سیاست‌خارجی ترکیه

تأکید مکرر بر جهت‌گیری اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه در غرب آسیا، تضاد شدیدی را بین سیاست اجتناب از کمالیستی قدیمی و قاطعیت فعلی ترکیه در منطقه ایجاد کرده است. از سال ۲۰۰۹، حزب عدالت و توسعه در غرب آسیا به عنوان تجلی سیاست خارجی هویت اسلامی و در نتیجه عقب‌نشینی ترکیه از سکولاریسم کمالیستی و غرب‌زدگی برجسته شده است. در سطح منطقه‌ای نیز، ترکیه بخشی از یک مبارزه ظاهراً ایده‌آل برای روح اسلام بسته به تمایل فرد به اخوان است. این رقابت از نظر ایدئولوژیک به عنوان میانه‌رو در مقابل اسلام‌گرایان افراطی ریاض و ابوظبی و دموکراسی رقابتی در برابر سلطنت استبدادی برای آنکارا شکل گرفته است. اگر دین به عنوان یک موجود اولیه یا ساختار اجتماعی دیده شود، خوانش‌های ایده‌پردازانه آن به عنوان یک مرجع مستقل در نظر گرفته می‌شود که ادراکات و انتخاب‌های سیاست خارجی را شکل می‌دهد. از منظری وسیع‌تر، ایده‌ها و باورها اهمیت دارند: الف) به‌عنوان یک میان‌بر اکتشافی و شناختی معناساز، که اقدامات سیاست‌گذاران را هدایت می‌کند ب) به عنوان یک چارچوب نهادی، ایجاد سیستم‌های فکری مشترک در هر محیطی یا ج) به عنوان ابزار استراتژیک مورد استفاده برای ایجاد گفتمان سیاسی و بسیج. رئالیسم نئوکلاسیک اهمیت ایده‌ها و باورهایی مانند مذهب را به عنوان کمربند انتقالی بین محرک‌های سیستمی و خروجی‌های سیاست خارجی می‌شناسد. با این حال، آن‌ها از نظر تحلیلی تابع عوامل سیستمی هستند، محدودیت‌ها و فرصت‌هایی که دولت‌ها در درازمدت نمی‌توانند از آن‌ها فرار کنند(کیتچن، ۲۰۱۰: ۱۱۸)[1].

1. Kitchen

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

در برابر ادعای منطقه‌ای بودن قرائت‌های متمرکز بر ترکیه باید برای اعتبار تحت لنزهای مقایسه‌ای قرار گیرند. اسلام‌گرایی به عنوان یک متغیر مستقل در سیاست خارجی برای تبیین رفتارهای مشابه سیاست خارجی سایر بازیگران منطقه کافی نیست. به عنوان مثال، امارات متحده عربی در پر کردن خلأ احساس شده ناشی از بی‌تفاوتی ایالات‌متحده و تحمیل دیدگاه خود به منطقه، به همان اندازه تهاجمی عمل کرده است: از ساختن مرزی از شبه نظامیان در یمن گرفته تا انتقال تسلیحات برای شورشیان و جنگجویان اماراتی در لیبی، این قدرت فرافکنی به سختی به برنامه‌های الهام گرفته از دین مربوط می‌شود. به‌طور مشابه، انگیزه اصلی رهبران قطر در حمایت از گفتگوهای میان رژیم صهیونیستی و جنبش حماس بعد از وقایع ۷ اکتبر ۲۰۲۳، به حداکثر رساندن قدرت بود، نه مذهب. می‌توان تصدیق کرد دوحه به عنوان یک بازیگر کوچک با جاه‌طلبی‌های بزرگ و محدودیت‌های کمی، حمایت از بازیگران طیف اسلام‌گرا مخصوصا در بحران ۷ اکتبر، این کشور را به بخشی اساسی از گفتگوهای کلیدی شکل‌دهنده منطقه تبدیل کرد، اما این حمایت تا حد زیادی برای دوحه، اگر نه فرصت‌طلبانه، ابزاری تلقی می‌شود که از طریق دسترسی به بازیگران مختلف سیاسی (اسلامی و غیراسلامی) در خارج از کشور به دنبال آن می‌باشد. در همین راستا، خوانش‌های عقیدتی، ماهیت و انسجام بیش از حدی را به هویت سیاسی و ایدئولوژی حزب عدالت و توسعه نسبت می‌دهند؛ همنوایی اردوغان با ایدئولوژی‌های سیاسی متنوع، از دموکراسی محافظه‌کارانه گرفته تا اسلام‌گرایی و ناسیونالیسم ترک، خوانش دقیق‌تری را به دنبال دارد. از نظر جهت‌گیری کارگزاری، چندین ناظر به خویشاوندی ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه با اخوان اشاره می‌کنند و حتی از این حزب به عنوان شاخه ترکیه‌ای آن یاد می‌کنند. حزب عدالت و توسعه چنین روابطی را حفظ کرد و گسترش داد، همان‌طور که در سفر خالد مشعل، رهبر حماس به آنکارا در سال ۲۰۰۶ یا میزبانی حزب عدالت و توسعه از محمد مرسی، رئیس حزب آزادی و عدالت اخوان در کنگره حزب خود در سال ۲۰۱۲، مشهود بود. این روابط موجود بعداً برخی از منابع اخوان را در اختیار حزب عدالت و توسعه قرار داد(آیش، ۱۷ اگوست ۲۰۲۰)[1].

قیام‌های عربی مرحله جدیدی را در روابط دوجانبه رقم زد؛ برخلاف تصورات سابق حزب عدالت و توسعه به‌عنوان یک جنبش انشعابی که سکولاریسم غربی را پذیرفته بود، اخوان حداقل از نظر استراتژیک، از گفتمان محبوب مدل ترکیه برای مشروعیت سیاسی خود علیه اتهامات گسترده تروریسم استفاده کرد. اخوان با در نظر گرفتن حزب عدالت و توسعه به عنوان تلفیقی موفق از اسلام و دموکراسی، توانست خود

1. Ayyash

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

را به عنوان یک بازیگر برحق در تعقیب پروژه مشابه، قابل دوام و طرفدار غرب در مصر معرفی کند. این موضوع یک رابطه یک جانبه نبود، زیرا ترکیه به عنوان یک قدرت میانی مشتاق، همچنین می‌خواست از آشفتگی در منطقه بهترین نتیجه را بگیرد. در حالیکه کودتای ۲۰۱۳ اخوان را بسیار به ترکیه نزدیک کرد، این روابط به تدریج جای خود را به یک رابطه تعبیه شده داد که در آن چشم‌اندازهای اخوان به‌طور فزاینده‌ای به حزب عدالت و توسعه گره خورد. ترکیه حتی مدل سیاسی خود را بهترین مدل برای رژیم‌های سرنگون شده در نتیجه تحولات بهار عربی می‌دانست تا هم موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا را به سود خود تغییر دهد و هم قدرت بیشتری در تعامل با کشورهای غربی به دست آورد. موضوعی که می‌توان از آن به عنوان "هلال اخوانی" یاد کرد تا به بلوکی در برابر هلال شیعی مطرح شده از سوی عبدالله پادشاه اردن شود که در آن ایران نقش اول را دارد. تاکید مقامات ترکیه بر سرنگونی رژیم بشار اسد در سوریه در همین راستا بود که جریان اخوان المسلمین در مصر و سوریه قدرت را به دست آورند. پیروزی اخوان المسلمین در مصر و تونس، احتمال شکل گیری این هلال را برای ترکیه جدی‌تر کرد. تداوم این روند وزنه سیاسی دولت ترکیه را در برابر ایران و عربستان سعودی در منطقه بیش از گذشته برتری می‌بخشید(سلطانی و خدابخشی، ۱۳۹۸: ۱۳). با وجود سال‌ها سرکوب بی‌وقفه داخلی - فراملی و تبدیل شدن اخوان به یک جنبش دیاسپورا در تبعید با انشقاق داخلی و اختلاف بر سر رهبری بین اردوگاه ابراهیم منیر در لندن و اردوگاه محمود حسین در استانبول، اما استانبول به مرکز جدیدی تبدیل شده است که میزبان چندین بنیاد، سازمان و کانال‌های تلویزیونی اخوان است. در آوریل ۲۰۱۶، رهبران اخوان از سراسر جهان در مراسمی با عنوان "متشکرم ترکیه" در استانبول گرد هم آمدند و قدردانی و بیعت خود را با رهبر ترکیه به عنوان تنها امید امت اسلامی اعلام کردند(تاس، ۲۸ آپریل ۲۰۲۱).

در حالی‌که حمایت از اخوان در خارج با اردوغان آغاز نشد و در ترکیه کمالیستی تقدم داشت، اردوغان روابط ترکیه با اخوان را نه در اوج بینش پان اسلامیستی خود، بلکه زمانی که بیشتر به سمت گفتمان سیاست خارجی ملی‌گرایانه متمایل شد، تشدید کرد. در یک چرخش نمادین پس از شکست در سال ۲۰۱۵ روند حل و فصل کردها، نقطه مرجع سلام رابعه از حمایت از اخوان به شعار جدید ملی‌گرایانه حزب عدالت و توسعه مبنی بر «یک وطن» تغییر کرد. با این وجود، رفتار اخیر نظامی شده در سیاست خارجی که اخوان به آن وابسته است، صرفاً یک پدیده حزب عدالت و توسعه نیست، بلکه مبتنی بر اجماع درون بوروکراسی دولتی در چندین جبهه است. به عنوان مثال، حمله ترکیه به لیبی عمدتاً با انگیزه اسلام‌گرایان برای حمایت از شاخه‌های اخوان در یک جنگ داخلی نبود، بلکه به محاسبات قدرت آن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

برای مقابله با سایر کشورها در مناقشه مدیترانه شرقی از طریق پروژه "میهن آبی" مرتبط بود(تاس، ۲۰۲۰: ۱۸).[1] همچنین پس از وقوع دگرگونی‌های ناشی از حذف داعش در منطقه، ترکیه بار دیگر اقدام به بازبینی و ارزیابی راهبرد منطقه‌ای خود(در راستای تقویت جایگاه خود و دستیابی به اهداف مورد نظر) کرد. در واقع " ترکیه کشوری است که سیاست خارجی‌اش در چارچوب منافع ملی تدوین و اجرا می‌شود. هرجا که منافع کشور به خطر بیفتد، عذرخواهی می‌کند(مورد روسیه) و هرجا که منعفتش ایجاب می‌کند، به جهان اسلام پشت می‌کند(مورد اسرائیل)، بنابراین ضمن اینکه با تل آویو رابطه راهبردی دارد، به مردم فلسطین هم توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد. در همین راستا، در مورد سوریه، دولت ترکیه برای حفظ منافعش هم با ایران و هم با روسیه متحد شده و هم با ائتلاف غربی و مخالفان بشار اسد همگام شد"(اردکانی، ۱۴۰۰: ۵).

مسئله سیاست خارجی اخوان مبتنی بر حزب عدالت و توسعه، ترکیه را در مرکز قرار می‌دهد و با این حال شاخه‌های مختلف اخوان را عمدتاً به عنوان گیرندگان منفعل تصمیمات سیاست خارجی ترکیه نشان می‌دهد. زمانی‌که مرسی خود در سال ۲۰۱۲ به قدرت رسید، آرزوهای رهبری منطقه‌ای او به شدت به دلیل توانایی‌های مادی محدود بود و سیاست خارجی مصر به جز چند حرکت نمادین، مانند سفر او به تهران در همان سال، تغییر چندانی نکرد. مرسی علاوه بر برقراری روابط مستحکم با حامیان انقلاب، رویکردی غیر تقابلی را در قبال متحدان سنتی مصر اتخاذ کرد که نشان‌دهنده عدم تغییر شدید سیاست خارجی در سطح منطقه و جهان است. علاوه بر این، روابط ترکیه با شاخه‌های مختلف اخوان بسته به موازنه قوا، مسیرهای متفاوتی را طی کرده است. بر خلاف اخوان مصری که به نفع ترکیه مقید بود، جبهه یمن رابطه مبادله‌ای بیشتری با ترکیه دارد و با توجه به دخالت بازیگران دیگر مانند عربستان سعودی و ج.ا. ایران تغییر می‌کند. به ویژه از زمان آغاز عملیات طوفان قاطع در سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی از حزب الاصلاح وابسته به اخوان در یمن، علی‌رغم رهبری در سطح گسترده‌تر منطقه‌ای، از کمپین ضد اخوان حمایت کرده است. به همین ترتیب، الاصلاح با به رسمیت شناختن نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی عربستان سعودی در یمن، به دنبال حفظ روابط خود با عربستان سعودی است. النهضه در تونس در فاصله محتاطانه‌ای از اردوغان قرار دارد، اردوغانی که برخلاف واکنش تندش به مداخله نظامی در مصر در سال ۲۰۱۳، تنها به بیانیه‌ای که برکناری دولت تونس در سال ۲۰۲۱ را کودتا خواند بسنده کرد. به طور کلی، چنین تنوعی را نمی‌توان به تقدم یک انگیزه ثابت ایدئولوژیک نسبت داد. با در نظر گرفتن این پدیده‌ها،

1. Taş

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

این مقاله رئالیسم نئوکلاسیک را برای توضیح چگونگی شکل‌گیری سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه بر اساس پویایی‌های جهانی و منطقه‌ای اتخاذ کرده است.

۳- نقش اخوان در قدرت‌گیری ترکیه در غرب آسیا

محاسبات حزب عدالت و توسعه این بود که بهار عربی در عمل بهار اخوان خواهد بود و موضع حزب عدالت و توسعه به‌عنوان مدافع جنبش‌های عربی در برابر رژیم‌های در حال فروپاشی استبدادی در راستای برنامه گسترده‌تر انتقال دموکراتیک در منطقه است. در ابتدا قدرت‌های غربی نیز از انقلاب‌ها حمایت کردند و جهانی که زمانی به نفع ظهور حزب عدالت و توسعه بود، اکنون مدل حاکمیت سیاسی حزب عدالت و توسعه را در سراسر منطقه ترویج می‌کرد. خاورمیانه جدید با دولت‌های سنی متحد ترکیه، عصر جدیدی را در پیش‌بینی پیشرفت حزب عدالت و توسعه آغاز کردند. افزایش ناگهانی خیابان‌های کشورهای عرب نیازمند اقدام سریع بود. برای صدور مدل و انتقال دانش حزب، دولت ترکیه به احزاب سیاسی وابسته به اخوان کمک‌های مالی داد و کارگاه‌هایی را در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ برای آموزش اسلام‌گرایان عرب در مبارزات سیاسی و تشکیل حزب ترتیب داد. این اقدام اخوان مصر را متقاعد کرد که در سال ۲۰۱۲ نامزد ریاست جمهوری شود، اگرچه آنان قبلاً متعهد شده بودند که این کار را انجام ندهد. ترکیه از طریق توانایی‌های مادی خود به جنبش عمق جغرافیایی داد و قطر از طریق رسانه‌ها و سازمان‌های فکری خود وسعت بلاغی اخوان را ارائه کرد(سینکارا، ۲۲ مارچ ۲۰۲۲).[1] در این تحلیل براساس هزینه و فایده، ترکیه بر خلاف پادشاهی‌های خلیج فارس به دلیل حمایت از اخوان، نگرانی چندانی در مورد امنیت رژیم خود نداشت. هم قطر و هم ترکیه از قیام تحت رهبری اخوان مصونیت داشتند. همچنین چنین قدرت نیابتی هزینه‌های استراتژیک آنکارا، مانند پیامدهای قانونی عملیات خارجی و خسارات احتمالی انسانی و مادی را به حداقل می‌رساند. کار با بازیگران محلی به‌جای مداخلات خام نیز می‌توانست برای مشروعیت بخشیدن به دخالت ترکیه در منطقه وسیع‌تر مورد استفاده قرار گیرد. برای ترکیه و قطر، اخوان هویت سیاسی قدرتمندی ارائه کرد که مردم محلی می‌توانستند با آن هویت پیدا کنند.

پس از قیام‌های عربی، مشتاقانی مانند ایران و عربستان سعودی از شبکه‌های فراملی موجود و نمایندگان‌شان برای الگوهای متفاوت خود برای نظم منطقه‌ای استفاده کردند. سازمان‌های شیعه مانند حزب‌الله و گروه‌های اسلام‌گرای سلفی به ترتیب نمایندگان این دو کشور بودند. این رقابت قدرت در

1. Cinkara

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

شرایطی عمل کرد که بازیگران غیردولتی فراملی مانند نیروهای مسلح کرد و جهادی‌های سلفی مرزهای دولت- ملت را به چالش می‌کشیدند. از نظر امنیتی، اتحادهای پس از سال ۲۰۱۱ با ظهور بازیگران مسلح غیردولتی به عنوان نمایندگان قدرت‌های منطقه‌ای مشخص شدند. ترکیه با رفتار هژمون‌خواهانه منطقه‌ای مشابه و فاقد زیرساخت‌های سیاسی برای انجام این کار، قصد داشت توزیع منطقه‌ای توانایی‌های مادی نسبی را با ایجاد پیوندهای با شاخه‌های اخوان در سراسر منطقه منا فعال کند. اگرچه این جنبش از نظر سلسله‌مراتبی به هم مرتبط نبود، اما دارای سازمان‌های مردمی قوی در سراسر منطقه بود. به طوری که احزاب سیاسی وابسته به اخوان در چندین کشور از جمله الجزایر، اردن، کویت، لیبی، مراکش، سودان، تونس و یمن فعالیت داشتند. با این پیوندها، اردوغان یک فرآیند جدید برای منطقه‌سازی با رویایی جدید برای غرب آسیا آغاز کرد. به عنوان مثال، او ناگهان ترک‌های کوروغلو در لیبی را مطرح کرد، افرادی که قبلاً هرگز نام آن‌ها را نشنیده بودند، اما در جریان همکاری آنکارا با دولت وفاق ملی وابسته به اخوان[1] وارد صحنه شدند و اظهار داشتند: "در لیبی، آن‌جا وجود دارد. آیا ترک‌های کوروغلو از عثمانی‌ها باقی مانده‌اند و تحت پاکسازی قومی قرار می‌گیرند. حفتر نیز در صدد نابودی آن‌هاست. همان‌طور که در سراسر آفریقای شمالی، در لیبی نیز وجود دارد، یکی از وظایف اصلی ما محافظت از نوه‌های اجدادمان است". در سال ۲۰۱۷، جزیره سواکین سودان به عنوان بندر سابق عثمانی در اخبار ترکیه ظاهر شد، بندری که اردوغان امیدوار بود از آن به عنوان یک پایگاه نظامی برای تحمیل امتیازات ترکیه در شاخ آفریقا استفاده کند. به این ترتیب، رویای مجدد حزب عدالت و توسعه از منطقه، به‌جای یک تاریخ مشترک عمیق، بر شبکه کنونی و قدرت شاخه‌های اخوان تکیه کرد. این شبکه به آنکارا این امکان را داده است تا نفوذ خود را در مناطقی که قبلاً تا همین اواخر غیرقابل تصور بود، نشان دهد. هویت اخوان علاوه بر چنین اهرم سیاسی، مشروعیت دینی را نیز به مداخله‌گرایی ترکیه ارائه کرد. به ویژه، حمایت ترکیه از حماس از رهبران عرب در آرمان فلسطین پیشی گرفت، که بیشترین طنین را در میان جمعیت عرب داشت(تاس، ۲۰۲۲: ۱۳).[2]

شروع بهار عربی همه شرایط به نفع اخوانی‌ها بود و به نظر می‌رسید که ثروت برای اخوان در مصر، تونس، لیبی و سومالی افزایش یافته است. حزب عدالت و توسعه به شدت از بازسازی این کشورها برای صدور الگوی ترکیه حمایت کرد. پیروزی محمد مرسی در انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۲ و رهبری النهضه دولت انتقالی تونس پس از سال ۲۰۱۱ نقطه اوج این پروژه بود. ترکیه همچنین از

1. GNA
2. Tas

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

گروه وابسته به اخوان در لیبی[1] حمایت کرد و بشار اسد رئیس جمهور سوریه را تحت فشار قرار داد تا اخوان سوریه را قانونی و انتخابات آزاد برگزار کند. در حالی‌که کانال های دیپلماتیک شکست خورده و ستاره در حال ظهور اخوان محو شد، به ویژه با مداخله نظامی در سال ۲۰۱۳ که مرسی را برکنار کرد، آنکارا برای مقابله با شکست‌های بزرگ در جبهه‌های مختلف تردیدی نداشت و با استفاده از شبکه‌های اخوان، استراتژی جنگ نیابتی را اتخاذ کرد. به عنوان مثال، در سوریه، ترکیه از فیلق الشام یک گروه مسلح وابسته به اخوان، حمایت کرد که همراه با احرارالشام، در سال ۲۰۱۶ به عملیات سپر فرات ارتش ترکیه پیوست. به منظور بازسازی و متحد کردن گروه‌های مسلح اسلام‌گرای ملی‌گرا در ادلب، ترکیه در سال ۲۰۱۸ از جبهه ملی برای آزادی که توسط گروه‌های وابسته به اخوان، سلفی‌های سیاسی و ملی‌گرایان رهبری می‌شد، حمایت کرد. در لیبی، ترکیه فرماندهی شبه‌نظامیان در طرابلس را برعهده گرفت که با ارتش ملی همسو بودند و مزدوران سوری را تقویت کردند. استانبول با تقویت این معماری نیابتی، به طور فزاینده‌ای به مرکز فراملی فعالیت‌های اخوان تبدیل شده است، مانند میزبانی انتخابات درون حزبی یمن الاصلاح و تشکیل شورای ملی سوریه که شامل اعضای تبعیدی اخوان می‌شد(یاکسل، ۲۰۲۰: ۱۴۵)[2]. احساس سوار شدن بر روی موج تجدید و قدرت ایدئولوژیک مدت زیادی دوام نیاورد. جنبش النهضه تونس مجبور به عقب نشینی و سازش شد، کودتایی در مصر به حکومت رئیس جمهور مرسی پایان داد و با کمک ایران، بشار اسد ابقا شد. حمایت گسترده و آشکار از اخوان المسلمین در چندین کشور در منطقه منا به تدریج ترکیه را در برابر عربستان سعودی و امارات متحده عربی قرار داد. این امر نشان دهنده یک گسست بارز از دوره قبل است که در آن ترکیه سعی می‌کرد روابط خوبی با کل منطقه ایجاد کند.

از آن‌جایی‌که سیاست خارجی ترکیه بسیار به شاخه‌های اخوان گره خورده است، نخبگان حزب عدالت و توسعه، کودتاهای سرنگونی اخوان در مصر (۲۰۱۳) و سودان (۲۰۱۹) را تلاشی مستقیم برای کاهش نفوذ ترکیه دانستند. روابط عمیق، استفاده از اخوان را به عنوان ابزار چانه‌زنی برای عادی‌سازی روابط با دولت‌های جدید دشوارتر می‌کرد. با این وجود، دولت ترکیه در پاسخ به محرک‌های خرده سیستمی، از دادن امتیاز و کاهش حمایت خود از این گروه‌ها دریغ نکرد. پیوندهای اخوان ترکیه در سیاست خارجی به طور فزاینده‌ای به یک مسئولیت تبدیل شده بود. به عنوان مثال، مقامات ترکیه با گروه چهارجانبه عرب و نشان دادن حسن نیت خود در این زمینه، در سال ۲۰۲۱ در شبکه‌های تلویزیونی استانبول مرتبط به اخوان خواستند تا اخوان مصر انتقادات خود را از دولت تحت سلطه نظامی این کشور کاهش دهد. به

1. JCP
2. Yüksel

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

دلیل ادامه فشارها، چندین خبرنگار منتقد عرب، استانبول را ترک کردند و محبوب‌ترین شبکه ماهواره‌ای اخوان «مکاملین» دفاتر خود در ترکیه را در مارس ۲۰۲۲ تعطیل کرد. به خصوص در مورد روابط با مصر، استرداد شخصیت‌های برجسته اخوان یک سوال باز است و ترکیه اتهامات علیه آن‌ها را رد می‌کند. با این حال، نزدیکی کنونی بسیاری از تبعیدیان اخوان را نگران کرده و آن‌ها را به فکر مهاجرت به کشور دیگری مانند مالزی واداشته است(تاس، ۲۸ آپریل ۲۰۲۱).[1] یکی از دلایلی که ابتکار گروه چهارجانبه برای عادی سازی روابط با ترکیه را برای تعدیل مواضع طرفدار اخوان تسهیل کرد، موقعیت بسیار ضعیف جنبش است. دولت‌های وابسته به اخوان یکی پس از دیگری سقوط کردند، از مصر گرفته تا سودان تا تونس و جنبش به طور کلی با شکست‌های فاجعه‌بار با واکنش مستبدانه به قیام‌های عربی مواجه شد. همچنین تحت تأثیر اصطکاک‌های داخلی قرار گرفتند که در دو اردوگاهی که در لندن و استانبول ظهور کرده‌اند منعکس شد. اخوان به طور کلی تمام شده و قدرت بالقوه آن به عنوان تهدیدی برای امنیت رژیم کشورهای خلیج فارس به شدت کاهش یافته است. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که اخوان ارزشی را که اردوغان زمانی در آن دیده بود، از دست داده است. آنکارا تمایل خود را برای مهار برخی فعالیت‌ها و صدای اخوان نشان داده است. در حالی‌که استفاده قابل توجه از پیوندهای اخوان به عنوان یک قدرت نیابتی در سیاست خارجی و به عنوان یک دارایی گفتمانی در سیاست داخلی هنوز قطع کامل پیوندها را دشوار می‌داند. سوابق اخیر ترکیه و نزدیک شدن منطقه‌ای نشان می‌دهد که در دوران پس از اردوغان آشکار خواهد شد که روابط با اخوان اساساً برخواسته از اعتقادات اسلام‌گرایی نبوده است.

٤- متغیرهای سطح واحد در روابط ترکیه و اخوان

از منظر نئوکلاسیک‌ها، ارزیابی استراتژیک ساختار ژئوپلیتیکی سیستم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند به شدت تحت تأثیر شخصیت، ارزش‌های اصلی، باورها و ایده‌های مجری سیاست خارجی باشد. همان‌طور که کیچن در تحلیل خود از تأثیر سطح واحد ایده‌ها به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر استدلال می‌کند، عدم اطمینان در مورد تهدیدها و فرصت‌ها که از هوش ناقص ناشی می‌شود، ممکن است خلاء ایجاد کند تا با ایده‌ها و باورها پر شود(شوولر، ۲۰۰۴: ۱۷۰)[2] . به عنوان مثال بحران سوریه که موضع بلاتکلیف متحدان غربی آنکارا به رهبری آمریکا در برابر رژیم اسد، باعث ظهور قدرتمند شبه نظامیان کرد سوری در شمال سوریه و مداخله نظامی روسیه در درگیری سوریه شد، به تغییر استراتژیک

1. Taş
2. Schweller

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

در ادراک مجریان سیاست خارجی ترکیه کمک کرد. در تمام این شرایط حساس، آنکارا احساس کرد: (۱) توسط متحدان غربی خود به رهبری ایالات متحده رها شده است (۲) منافع ملی و منطقه‌ای آن توسط آن متحدان کنار گذاشته شد و (۳) نگرانی‌های امنیتی آن کاملاً توسط آن‌ها نادیده گرفته شده است. مهم‌تر از همه، ایالات متحده و چندین کشور اروپایی خود را با یگان‌های مدافع خلق کرد[1]، یکی از شاخه‌های سوری حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و یک سازمان تروریستی تعیین‌شده توسط ترکیه، ایالات متحده، اعضای ناتو و اتحادیه اروپا همسو کرده‌اند. این تحولات همه به ضرر امنیت ملی و منافع ترکیه تمام می‌شد. این تحولات نشان داد که آنکارا باید به جای وابستگی به دیگران، امور را به دست خود بگیرد. همانطور که کوتلی و اونیس توضیح دادند، در ترکیه، منطق وابستگی متقابل و نقش واسطه-ادغام کننده به تدریج با تلاشی قاطعانه با خودمختاری جایگزین و با مداخله‌گرایی نظامی و دیپلماسی اجباری همراه شده است. تلاش برای کودتای ۲۰۱۶ و همچنین رویدادهای بعدی، از جمله همه‌پرسی سال ۲۰۱۷ در مورد تغییرات قانون اساسی و انتخابات ۲۰۱۸، آثار عمیقی بر نظام سیاسی کشور ترکیه بر جای گذاشت. این تحولات منجر به ظهور نظام ریاستی با قدرت اجرایی گسترده و فرآیند تصمیم‌گیری متمرکز شد. این امر تأثیر شگرفی بر هدایت سیاست خارجی داشت و درواقع ظهور سیاست خارجی قاطعانه‌تر ترکیه و تلاش برای خودمختاری استراتژیک را بیشتر کرد(کوتلی و اونیس، ۲۰۲۱: ۱۰۹۰)[2].

رهبران حزب عدالت و توسعه هنگامی که قیام‌های عربی را به‌عنوان لحظه‌ای تاریخی برای جاه‌طلبی‌های سیاست‌خارجی خود تفسیر می‌کردند، نه تنها توانایی‌های مادی ترکیه را در مقایسه با سایر نیروهای منطقه‌ای، بلکه نیروی اخوان را نیز دست بالا می‌گرفتند. علاوه بر این که اردوغان مستعد ریسک‌پذیری بود، قدرت دگرگون‌کننده بالقوه منتسب به اخوان در پیامدهای قیام‌های عربی، سیاست خارجی ترکیه را تحت شرایط سیستمی سهل‌انگیز فوق‌الذکر در جهتی خاص هدایت کرد. در مورد فیلترهای شناختی پردازش سیگنال‌های سیستمی و ادراک تهدید، اردوغان همچنین تحولات منطقه‌ای را درونی کرد و اخوان و خود را تحت تهدید قدرت‌های غربی و اتحاد امارات متحده عربی دارای سرنوشتی همپوشانی شده دانست. برکناری مرسی مصادف شد با اعتراضات گسترده و ضد دولتی‌گری در سال ۲۰۱۳، که اردوغان ادعا کرد که توسط نیروهای ناپیدا و خارجی در تلاش برای سرنگونی او انجام شده است. اردوغان در بیاناتی گفت: " کسانی‌که در خواب می‌بینند که من مانند عدنان مندرس (نخست وزیر ترکیه که در سال ۱۹۶۰ از قدرت برکنار شد و بعداً اعدام شد) و مرسی خواهم شد، صدایم را بشنوند! این

1. YPG
2. Kutlay, and Önis

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سفر ناتمام نخواهد ماند. اردوغان گفت: میلیون‌ها نفر از مردم آناتولی هستند که آرمان جدید ترکیه را به عهده خواهند گرفت"(اردوغان، ۱۷ می ۲۰۱۵).[1] . این آسیب‌پذیری درک شده او را برای ایجاد قدرت مورد نیاز برای خنثی کردن تهدیدات داخلی و خارجی تا آنجا که شرایط سیستمی اجازه انجام این کار را می‌داد، سخت‌تر کرد. یکی دیگر از عناصر تدوین استراتژی کلان، انتخاب ابزاری برای پرداختن به محرک‌های سیستمی است. این حالت پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که چه وسایلی در دسترس هستند، که مؤثرتر عمل می‌کنند و آیا استفاده از آن‌ها قابل توجیه است یا خیر. در اینجا، وابستگی ایدئولوژیک در دسترس بودن منابع را تضمین می‌کرد زیرا حزب عدالت و توسعه از پیوندهای قدیمی خود با شاخه‌های اخوان استفاده می‌کرد. این حرکت همچنین با گفتمان سیاست خارجی اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه توجیه شد که نه تنها زمینه مشترک برای همکاری در درگیری‌های منطقه‌ای متعدد را فراهم کرد، بلکه وجهه حزب را در داخل به عنوان محافظ امت افزایش داد.

همچنین باید توجه داشت که همه متغیرهای سطح واحد ایده‌آل نیستند. ساختار نهادی ترکیه به‌عنوان یک متغیر تعدیل کننده در سیاست خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه عمل کرده است. در حالی‌که دولت‌ها متشکل از بازیگران مختلف و رقیب هستند، تمرکز و شخصی‌سازی قدرت سیاسی در ترکیه معاصر، بازیگران سنتی و سیستم‌های کنترل و تعادل را حذف و سیاست خارجی را با سرعت بیشتری در ساخت و اجرای آن دنبال کرد. این روند با انتقال به نظام ریاستی در سال ۲۰۱۸ به اوج خود رسید. به طور کلی این شخصی سازی اردوغان باعث شده تا تاثیرگذاری او در روند سیاسی ترکیه بخصوص در دوران بعد از تغییر سیستم سیاسی و کودتای ۲۰۱۶ ، افزایش یابد؛ پدیده‌ای که در تاریخ سیاسی مدرن ترکیه نادر است و حتی با وجود فرهنگ سیاسی ترکیه که به طور سنتی از رهبری غالب حمایت می‌کند؛ این روند در دوره جدید، شمایلی دگر به خود گرفته است. این تحول، موجب تغییر روند سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه در جهت تحقق خواسته‌های اردوغان به عنوان رهبر جهان اسلام و جایگزینی دیپلماسی شخصی با دیپلماسی عمومی شده است(قاسمی و مددی، ۱۴۰۰: ۱۶) که از شواهد مهم آن می‌توان به الگوی آونگی در قبال وقایع ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که شامل حمایت لفظی مردم غزه و کمک مالی و نظامی به اسرائیل، اهداف راهبردی در بحران لیبی، جنگ قره باغ، سوریه و خرید اس-۴۰۰ اشاره کرد. در واقع آنچه بر اساس متغییر فرد، سیاست خارجی ترکیه در قبال غرب آسیا را به پیش می‌برد آرزوهای شخصی اردغان است، نه نگاه راهبردی آنکارا در این حوزه.

1. Erdoğan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

یکی دیگر از متغیرهای تعدیل‌کننده که توانایی دولت در پاسخگویی مناسب به فشارها و فرصت‌های خارجی را مشروط کرد، روابط دولت و جامعه است. در حالی‌که نخبگان حزب عدالت و توسعه می‌توانند از پتانسیل قدرت کشور به‌طور کلی استفاده کنند، انسجام اجتماعی و نخبگان برای حمایت از اهداف سیاست خارجی، سطح پاسخ‌گویی را مشخص می‌کند. در این راستا، اتحاد حاکم بین حزب عدالت و توسعه و حزب اقدام ملی‌گرای افراطی و همچنین حضور چندین گروه اوراسیایی در بوروکراسی دولتی، بر دامنه مداخله‌گرایی ترکیه در منطقه در راستای شعار توسعه‌طلبی پوپولیستی تأثیر گذاشت. در نهایت، عملیات نظامی فرامرزی می‌تواند اثر تجمع حول پرچم را تحریک کند، حمایت عمومی از سیاست‌های دولت را حداقل در کوتاه‌مدت افزایش دهد و به‌عنوان یک اثر انحرافی در مواقع بحران‌های اقتصادی متوالی عمل کند که جنگ روسیه در قبال اوکراین با توجه به کاهش محبوبیت برای ریاست جمهوری در ترکیه و اقتصاد متورم ترکیه موجب تمایل اردوغان به دنبال موفقیت در خارج از کشور شد. حمایت ترکیه از اوکراین برای این است که به آمریکا و متحدانش در ناتو نشان دهد که ترکیه به عنوان یک شریک قابل اعتماد برای آن‌ها در جریان دفاع جمعی باقی می‌ماند. این کشور همواره به دنبال این بوده است که در روابط با روسیه به عنوان یک ابرقدرت توازن و تعادل را به دست آورد و از نفوذ بیش از اندازه این کشور در منطقه بکاهد. به نظر می‌رسد این جنگ زمینه لازم را برای ترکیه فراهم کرده است تا در مناسبات خود با روسیه استفاده لازم را ببرد. ترکیه ضمن محکوم کردن حمله روسیه به اوکراین و اعلام همبستگی خود با این کشور بی طرفی خود را نیز حفظ کرده است که به این کشور کمک می‌کند تا از این وضعیت بیشترین منفعت را کسب کند. اردوغان این توانایی را داشته است که هر دو طرف درگیر جنگ خواهان روابط مثبت با ترکیه باشند و این مسئله باعث شده است که برخی ترکیه را برنده غیرمنتظره این جنگ بدانند(اردکانی، ۱۴۰۲: ۱۹). بنابراین علاوه بر محرک‌های سیستماتیک، چالش‌های داخلی و نیاز شدید به سرمایه، انگیزه بیشتری برای ترمیم روابط گسسته با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را ایجاد کرده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نتیجه گیری

سیاست خارجی ترکیه تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است به خصوص از دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه دو راهبرد مهم سیاست تنش صفر با همسایگان و سیاست مداخله در امور داخلی برخی از همسایگان در دستور کار قرار گرفته است که تا به امروز با فراز و نشیب‌های همچنان ادامه‌دار است. سیاست ترکیه در قبال غرب آسیا بیشتر ریشه در هستی شناسی این کشور دارد که در آن برداشت از دین اسلام بسیار حائز اهمیت است به طوری‌که موضع‌گیری-ها و عملکرد دولت ترکیه حاکی از آن است که رهبران این کشور در تلاش برای رهبری جهان اسلام و ارائه مدلی جایگزین از اسلام سیاسی هستند. در این راستا تاکید بر هویت اسلامی و پیوندهای عمیق با جهان اسلام و ترمیم نگاه مسلمانان به ترکیه مورد توجه قرار گرفت و دکترین نوعثمان گرایی وارد دستگاه سیاست خارجی ترکیه شد و آنکارا شروع به کنشگری فعال در تحولات غرب آسیا کرد. کنش‌های تاثیرگذار در منطقه عاملی بوده است تا سوال پژوهش اینگونه مطرح شود که بعد از وقوع تحولات موسوم به بهارعربی، چه مولفه‌هایی و چگونه موجب تغییر رفتار سیاست خارجی ترکیه به اسلام‌گرایی و نزدیکی به اخوان المسلمین شده است؟ فرضیه مطرح شده بدین‌گونه بود که اولا پیوندهای ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه با اسلام اخوانی به عنوان مشهودترین مولفه باعث همراهی این دو بازیگر شده است به طوری‌که با شروع تحولات بهار عربی از تونس و مصر، بهترین فرصت برای رهبران ترکیه جهت به آزمون گذاردن ایده‌های فکری و سیاسی‌شان پیش آمد. سقوط دیکتاتوری‌های مصر و تونس و نیاز به ایجاد نظام سیاسی جدید، زمینه مناسبی را برای صدور اندیشه‌های عدالت و توسعه به عنوان گفتمانی کاربردی و کارا فراهم نمود. افکار عمومی جامعه عرب هم با توجه به رشد اقتصادی مداوم ترکیه، دیدگاه مساعد و مثبتی به عدالت و توسعه داشتند و گفتمان حاکم در ترکیه را بهترین مدل برای نظام سیاسی‌شان در نظر می‌گرفتند. حزب النهضه در تونس و اخوان المسلمین در مصر قدرت را به دست گرفتند و این امر باعث شد که همه از موفقیت الگوی سیاسی ترکیه سخن بگویند. از طرف دیگر پیوندهای ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه با اخوان منابع و فرصت‌های جدیدی را در دسترس ترکیه قرار داد و به مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های سیاست خارجی آن، به‌ویژه در میان پایگاه محافظه‌کار کمک کرده است. ثانیا رفتار سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه(غرب آسیا) نشان‌دهنده یک استراتژی بزرگ برای پاسخگویی به الزامات سیستمی و فرعی نئو عثمانی-گرایی اردوغان در منطقه با کمک اخوان بوده است. حزب عدالت و توسعه به‌عنوان بخشی از استراتژی به حداکثر رساندن قدرت خود به اخوان نزدیک شد، زیرا بیشترین سود را (به‌عنوان سازمان‌یافته‌ترین گروه در منطقه)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

با کمترین هزینه (که تهدیدی برای امنیت رژیم خود نبود) ارائه کرد. وقتی شرایط منطقه تغییر کرد، حزب عدالت و توسعه دیگر مایل نبود از کارت اخوان استفاده کند. اما عوامل داخلی فکری، نهادی و اجتماعی میانجی‌کننده محرک‌های سیستمی و خرده‌سیستمی بر دامنه و سرعت روابط حزب عدالت و توسعه با اخوان در سیاست گسترده‌تر خاورمیانه‌ای آن تأثیر گذاشته است. جدای از این اقدامات، آنچه که در صحنه عمل اتفاق اقتاد سقوط غیر منتظره اخوان المسلمین، جایگاه فکری و گفتمانی ترکیه را در منطقه زیر سوال برد و این کشور که از آن به عنوان الگویی برای حکومت‌های پسا انقلابی در منطقه یاد می‌شد، به لحاظ گفتمانی در محاق فرو رفت. جالب اینجاست که این مسئله در داخل ترکیه هم تاثیر گذاشت. بدین رو با حذف اخوان المسلمین در مصر، حزب عدالت و توسعه نه تنها در سطح منطقه‌ای با کاهش اعتبار و جایگاه سیاسی مواجه شد، بلکه در داخل ترکیه هم با بحران روبرو گردید. علی‌رغم تمام این مسائل رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه را نمی‌توان الزاما در قالب وجه اشتراک مذهبی و اسلامی دانست بلکه نوع توسعه طلبی و منفعت اندیشی سیاسی و تاریخی در این رویکرد دیده می‌شود که ترکیه با تعریف تازه‌ای که از خود و سیاست خارجیش مخصوصا در قره باغ و بحران ۷ اکتبر ارائه کرده حضور در غرب آسیا را اساس کار خود قرار داده است. به هر حال تحولات منطقه و جهان حاکی از آن است که ترکیه به دنبال اجرای راهبرد همه جانبه‌گری متعادل و متوازن در سیاست خارجی‌اش است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منابع

الف: فارسی

اردکانی، حسین فتاحی(۱۴۰۲)، تجزیه و تحلیل راهبرد سیاست خارجی ترکیه پس از انتخابات ۲۰۲۳. فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوازدهم، شماره دوم، تابستان.

اردکانی، حسین(۱۴۰۰)، راهبرد سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه پساداعش. پژوش نامه ایرانی سیاست بین الملل. سال ۱۰، شماره ۱، پاییز و زمستان.

بیگدلی، محمد رضا، فیروز آبادی، سید جلال دهقانی و برزگر، کیهان(۱۴۰۲)، مقایسه رویکرد سه نسل پارادایم واقع‌گرایی نسبت به نظام بین‌الملل. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره چهل و هست.

سلطانی، محمد جواد و خدابخشی، مهدی(۱۳۹۸)، سقوط اخوان المسلمین در مصر و تاثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای ترکیه. فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و سوم، شماره ۱، بهار.

سنگری اسماعیلی، محمد حسین و توکلی، مائده(۱۴۰۰)، عرصه‌های همکاری- تعارض ایران/ترکیه در آسیای غربی در سایه سیاست خاورمیانه‌ای روسیه. فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز.

سیفی، عبدالمجید(۱۳۹۹)، واقع‌گرایی نوکلاسیک چارچوبی برای تحلیل سیااست خارجی عربستان در قبال بیداری اسلامی. فصلنامه سیاست، دوره ۵۰، شماره ۲، تابستان.

شوهانی، احمد(۱۴۰۲)، پیامد سیاست‌های توسعه طلبانه ترکیه(اردوغانیسم) بر نظام داخلی ترکیه. فصلنامه علمی پژوهش-های سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز.

قاسمی، جابر و مددی، امیر علی(۱۴۰۰)، واکاوی چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره سوم، پاییز.

گل محمدی، ولی و همکاران(۱۳۹۵)، اردوغانیسم و فهم سیاست خارومیانه‌ای ترکیه. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز.

نادری، محمد، گودرزی، مهناز و جمعه زاده، سید جواد(۱۴۰۱)، بررسی پیامدهای سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی کشورهای تاثیر پذیر از دجله و فرات. فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوزادهم، شماره چهارم، زمستان.

نیاکویی، سید امیر و صفری، عسگر(۱۳۹۶)، راهبردهای هسته‌ای متفاوت ایران؛ تبیینی از دریچه واقع گرایی کلاسیک. فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان.

ب: انگلیسی

Ayyash, Abdelrahman(August 17, 2020), "The Turkish Future of Egypt's Muslim Brotherhood." The Century Foundation,. Accessed September 1, 2021. https://tcf. org/content/report/turkish-future-egypts-muslim-brotherhood/?agreed= 1&agreed=1.

Cagaptay, Soner(2020), Erdogan's Empire: Turkey and the Politics of the Middle East. London: I.B. Tauris,.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

Cinkara, Gokhan(March 22, 2022), "Interpreting Turkey's Current Diplomatic Rapproachement Toward the Gulf." The Arab Gulf States Institute in Washington. Accessed April 1, 2022. https://agsiw.org/interpreting-turkeys-currentdiplomatic-rapprochement-toward-the-gulf/.

Dalacoura, Katerina((2021), "Turkish Foreign Policy in the Middle East: Power Projection and Post-Ideological Politics." International Affairs 97, no. 4.

Erdoğan, Tayyip(May 17, 2015), "President Erdoğan Meets Representatives of NGOs in Kayseri." TCCB,. Accessed September 7, 2021. https://www.tccb.gov.tr/en/news/542/32391/cumhurbaskani-erdoganin-samsun-programi.

Jabbour, Jana J(2022), After a Divorce. a Frosty Entente: Turkey's Rapprochement with the United Arab Emirates and Saudi Arabia. Strategic Necessity and Transactional Partnership in a Shifting World Order. Paris: IFRI,

Kitchen, Nicholas((2010), "Systemic Pressures and Domestic Ideas: A Neoclassical Realist Model of Grand Strategy Formation." Review of International Studies 36, no. 1.

Kubicek, Paul(2022), "Structural Dynamics, Pragmatism, and Shared Grievances: Explaining Russian-Turkish Relations." Turkish Studies 23, no. 5: 1–31. Forthcoming. doi:10.1080/14683849.2022.2060637

Kutlay, M., and Z. Önis((2021) , "Turkish Foreign Policy in a Post-Western Order: Strategic Autonomy or new Forms of Dependence?" International Affairs 97, no. 4: 1085–1104.

Ramadan, Tariq(February 8, 2011), "Democratic Turkey Is the Template for Egypt's Muslim Brotherhood." Huffington Post,. Accessed September 2, 2021. https://www.huffpost.com/entry/post_1690_b_820366.

Şahin, Mehmet((2020), "Theorizing the Change: A Neoclassical Realist Approach to Turkish Foreign Policy." Contemporary Review of the Middle East 7, no. 4: 483–500

Schweller, Randall(2004), "Unanswered Threats: A Neoclassical Realist Theory of Underbalancing." International Security 29, no. 2.

Taş, Hakkı(2020), "The Formulation and Implementation of Populist Foreign Policy: Turkey in the Eastern Mediterranean." Mediterranean Politics: 1–25. DOI: 10.1080/13629395.2020.1833160.

Taş, Hakkı(2022), Erdoğan and the Muslim Brotherhood: an outsidein approach to Turkish foreign policy in the Middle East. TURKISH STUDIES, VOL. 23, NO. 5, 722–742

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

https://doi.org/10.1080/14683849.2022.2085096.

Taş, Hakkı(April 28, 2021), "AKP and the Muslim Brotherhood: Faithful Companions?," Ahval.. Accessed September 5, 2021. http://ahval.co/en-116743.

Yavuz, M. Hakan(2022), "The Motives of Erdogan's Foreign Policy: Neo-Ottomanism and Strategic Autonomy." Turkish Studies 23, no. 5 forthcoming.

Yüksel, Engin(2020), "Turkey's Approach to Proxy war in the Middle East and North Africa." Security and Defence Quarterly 31, no. 4.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۴۰۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

جانسیز، احمد؛ رضاپور، دانیال (۱۴۰۲)، «اخوان المسلمین و سیاست خارجی ترکیه در قبال غرب آسیا» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۳، ش۴، زمستان ۱۴۰۲، صص ۵۲-۲۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]